

کارکردهای بیمه در تقویت و تحقق سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار در پرتوی اصول حقوق بشر

محمد صالح چیت‌گران^۱، علی فقیه حبیبی^۲، حسین رضایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

چکیده:

دستیابی به توسعه پایدار نیازمند استفاده متنوعی است. به همین دلیل دولت‌ها از طیف گسترده‌ای از سازوکارها و منابع برای این امر بهره می‌گیرند. یکی از سازوکارهای قابل تصور و از ابزارها برای دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار صنعت بیمه است. براساس اسناد بین‌المللی توسعه پایدار را می‌توان در تقسیم بندی نسل دوم و نسل سوم حقوق بشر قرارداد. با وجود این اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار موضع روشنی نسبت به بیمه بکار نگرفته‌اند. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا بیمه می‌تواند در پرتوی حقوق بشر در تقویت و تحقق سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار به عنوان ابزار ایفای نقش نماید و در صورت مثبت بودن پاسخ کارکردهای آن در این خصوص شامل چه مواردی می‌شود و در ادامه پیشنهادی برای استفاده از بیمه به عنوان یک ابزار در برنامه هفتم توسعه ایران و تقویت اصول حقوق بشری نظیر برابری مطرح می‌شود. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رابطه میان توسعه پایدار و بیمه و رویکردهای قابل تصور و به انواع کارکردهایی پرداخته است که بیمه می‌تواند برای دستیابی به توسعه پایدار اتخاذ کند. این تحقیق نتیجه می‌گیرد علی‌رغم تفاوت‌های کارکردی میان بیمه و توسعه پایدار، این صنعت دارای پتانسیل‌ها و انعطاف‌پذیری‌ای می‌باشد که می‌تواند به عنوان یک ابزار تکمیلی در جهت تحقق سیاست‌های توسعه پایدار و تقویت حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان اصلی: توسعه پایدار، بیمه، کارکردهای حمایتی، مدیریت ریسک، برنامه توسعه هفتم، اصول حقوق بشر.

۱. دانشجوی دوره دکترای حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
faghih.habibi@gmail.com
۳. دکتری گروه حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

دستیابی به توسعه پایدار همواره یکی از دغدغه های کشورهای و جامعه بین المللی بوده است. به همین منظور نیز اسناد و برنامه های اجرایی متنوعی در این راستا تنظیم شده اند. در کنار اسنادی همچون اعلامیه هزاره (United Nations) و دستورالعمل توسعه پایدار ۲۰۳۰ اقدامات مختلف دیگری نیز در این راستا صورت گرفته است. از جمله رهبران جهان در اجلاس اهداف توسعه پایدار سپتامبر ۲۰۱۹ که فراخوان دهه اقدام نیز نامیده شده است تعهد به انتقال منابع مالی، توسعه اجرای ملی و تقویت نهادها برای دستیابی به اهداف تدوین شده در دستورالعمل ۲۰۳۰ شده اند (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹، ۳۵). علیرغم اینکه اسناد مختلفی در رابطه با اجرای این اهداف تدوین شده اند، عمده ای اسناد به آثار برخی از پدیده ها همچون نقش فرهنگ یا مخاصمات بر توسعه پایدار یا اجرای آن در برخی مناطق خاص همچون آفریقا یا جزایر کوچک کشورهای در حال توسعه یا برخی از حوزه ها همچون روستاها و یا حتی فضا توجه داشته و در کمتر مواردی شاهد تمرکز بر ابزارهای دستیابی به اهداف توسعه پایدار بود.

می توان مواردی را یافت که به برخی از ابزارهای مورد نیاز برای دستیابی به توسعه پایدار توجه شده است. از جمله در مواردی نقش دانش، فناوری و ابتداعات در توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن قطعنامه شماره ۷۷/۲۷۲ مجمع عمومی تحت عنوان روز جهانی دوچرخه سواری (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۸: ۱) و متعاقب آن قطعنامه مجمع عمومی در خصوص تمرکز بر دوچرخه سواری در سیستم حمل و نقل عمومی برای توسعه پایدار و همینطور نقش فیبر گیاهان طبیعی را می توان به عنوان دیگر مصادیق توجه به ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار برشمرد. در واقع بسیاری از اسناد بین المللی ابزارها و سازکارهای متنوعی برای پیشبرد توسعه پایدار پیش بینی و پیشنهاد کرده اند.

بررسی تلاش های بین المللی نشان می دهد علیرغم تنوع موضوعات مورد توجه در این اسناد، نقش بیمه در توسعه پایدار مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که این صنعت از پتانسیل هایی برخوردار است که می تواند نقش قابل توجهی را برای دستیابی به توسعه پایدار به همراه داشته باشد. قابلیت ها و انعطاف پذیری های این صنعت می تواند آن را به عصری تاثیرگذار تبدیل نماید. این مقاله قصد دارد تا به بررسی این مساله پردازد که صنعت بیمه چگونه می تواند در

¹ - World Bicycle Day

تحقق اهداف توسعه پایدار مورد استفاده قرار گیرد و پس از آن پیشنهادی را جهت بکارگیری در برنامه توسعه هفتم مطرح می‌نماید.

۱- مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق:

برای بررسی نقشی که بیمه می‌تواند در دستیابی به توسعه پایدار بر عهده گیرد پیش از هر چیز لازم است تا با مفاهیمی که این تحقیق با آنها سروکار دارد آشنایی حاصل شود. به طور کلی این مفاهیم در سه دسته قرار می‌گیرند که عبارتند از مفاهیم مرتبط با توسعه، مفاهیم مرتبط با بیمه و مفهوم مرتبط با توسعه پایدار علی‌الخصوص اشخاص و گروه‌های آسیب‌پذیر. توسعه پایدار تقسیم می‌گردد به توسعه زیست محیطی، توسعه تولید و توسعه انسانی، در توسعه انسانی به افراد جامعه توجه می‌گردد و دولت‌ها بایستی با فراهم نمودن نیاز آنان و رفع مشکلات اقشار آسیب‌پذیر تلاش به رشد توسعه انسانی آنان نمایند. در اصول ۲۹، ۳، ۴۳ قانون اساسی ایران و همچنین در قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه ایران (برنامه اول تا شش) به موضوع اقشار آسیب‌پذیر که شامل زنان، کودکان، سالمندان و معلولین می‌شود پرداخته و توجه شده است؛ تحقیق‌های بسیاری در حوزه توسعه زیست محیطی توسعه پایدار صورت گرفته است اما این تحقیق تمرکز خود را بر توسعه انسانی توسعه پایدار قرار داده است. اولین گام در شناخت نقش بیمه در تحقق اهداف توسعه پایدار، شناخت مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار می‌باشد. در این چارچوب دو مفهوم شامل توسعه و مفهوم توسعه پایدار و مولفه‌های توسعه پایدار باید مورد توجه قرار گیرد.

۱-۱- توسعه در نگاه کنوانسیون‌های بین‌المللی

توسعه همواره یکی از دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه بوده است. با وجود این، کشورها هیچ‌گاه موفق نشدند تا کشورهای توسعه‌یافته را در راستای تدوین یک سند الزام‌آور بین‌المللی با خود همسو نمایند. همین امر باعث گردیده تا نتوان در مقررات بین‌المللی تعریفی از توسعه را شاهد بود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد دستیابی به مفهوم آن نیازمند توجه به معنای لغوی آن باشد. بر اساس بند ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات «معاهده باید با حسن نیت و مطابق با معنای معمولی که به واژگان آن در چارچوب و با توجه به هدف و منظور آن داده می‌شود تفسیر شود. می‌توان گفت: ۱- توسعه یک فرآیند است که در قالب اعمالی انجام شده و به نتایجی ختم می‌شود. ۲- توسعه یک فرآیند تدریجی است. ۳- نتیجه توسعه می‌تواند رشد باشد و این رشد به معنای بهبود

یافتن است. ۴- بهبود نسبت به امر می تواند رخ دهد؛ امری که وجود ندارد و امری که وجود دارد. نسبت به امری که وجود ندارد بهبود به صورت شکل گیری آن امر اتفاق می افتد و نسبت به امری که وجود دارد به صورت بهتر، قوی تر و پیشرفته تر شدن آن واقع می شود. ۵- موضوع توسعه می تواند شخص یا شیء باشد. این شخص می تواند یک فرد یا یک جمعیت باشد و آن شیء نیز می تواند یک شیء مشخص یا یک صنعت باشد.

۱-۲- مفهوم توسعه پایدار

دومین مفهومی که باید به آن پرداخته شود توسعه پایدار است. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) آمد. این سازمان در گزارش خود با نام (استراتژی حفظ منابع طبیعی) این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می آید. مطابق تعاریف در اسناد سازمان ملل متحد در واقع توسعه پایدار به معنی برآوردن نیازهای جامعه بدون صدمه زدن به نسل های آینده است و کشورها باید راهکارهای جامعی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار ارائه دهند. برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار به مشارکت افراد، دولت ها، بنگاه های تجاری، دانشگاه ها و جوامع بطور کلی نیازمندیم. توسعه پایدار فرصت های جدیدی از قبیل توسعه فراگیر، توسعه جهانی، توسعه یکپارچه، توسعه محلی و توسعه فناوری را نیز فراهم می آورد.

۱-۳- مفهوم حقوق بشر و تقسیم بندی آن

حقوق بشر را می توان به گونه های مختلف و متفاوتی دسته بندی و طبقه بندی کرد. رایج ترین آن در سطح بین المللی، شیوه های از طبقه بندی است که حقوق بشر را به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم بندی کرده است. حقوق مدنی و حقوق سیاسی، مندرج در مواد بیست و یک تا سی از اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در مواد ۲۲ تا ۲۸ از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.^۲

نوع دیگری از طبقه بندی حقوق بشر که توسط کارل واساک، ارائه شده است، حقوق بشر را

1 - UDHR

2 - ICESCR

به سه نسل تقسیم می‌کند: حقوق نسل اول: حقوق مدنی و سیاسی، که دربردارنده حقوق مربوط به زندگی و مشارکت سیاسی است. حقوق نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل حقوق مربوط به امرار معاش می‌شود. حقوق نسل سوم: حقوق جمعی و گروهی، که حقوق مربوط به صلح و حقوق پاکسازی محیط زیست را دربرمی‌گیرد. فارغ از این طبقه‌بندی حقوق مربوط به نسل سوم بسیار مورد بحث قرار گرفته‌است. مفاهیم توسعه پایدار در توسعه زیست محیطی و توسعه انسانی ارتباط مستقیمی با حقوق بشر نسل دوم و سوم دارند و در این مقاله بر روی آن تمرکز شده است. در واقع حقوق بشر ارتباط مستقیم با توسعه پایدار دارد؛ شما در توسعه انسانی نیازهای افراد جامعه نظیر آموزش، خوراک، مسکن، پوشاک را فراهم می‌نمایید که این برای همه افراد جامعه است و با تامین آن و در واقع حفظ حقوق بشر کرده است و در نتیجه رشد توسعه انسانی توسعه پایدار شده است.

۲- بیمه در بستر کارکردهای دولت

مطابق آموزه‌ها، روابط افراد جامعه با فرمانروایان و فرمانروایان با فرمانبران (افراد جامعه) در چارچوب حقوق عمومی تعریف می‌شود (جوان آراسته، ۱۳۹۳، ۶۴). حال این سوال مطرح می‌شود که آیا بیمه را می‌توان در همین بستر تعریف نمود یا خیر. برای پاسخ به این پرسش بیمه در بستر دو اصل خدمات عمومی و منفعت عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل آن این توضیح را بایستی بیان نمود که در اسناد بین‌المللی مستقیماً نامی از بیمه برده نشده است بلکه از واژه تامین اجتماعی استفاده شده است ولی در ایران صنعت بیمه تقسیم می‌گردد به بیمه‌های بازرگانی و بیمه‌های اجتماعی، بیمه‌های بازرگانی توسط شرکت‌های خصوصی و دولتی (همچون بیمه نامه شخص ثالث یا بیمه نامه آتش سوزی) و بیمه‌های اجتماعی توسط دولت (همچون بیمه بیکاری) ارائه می‌گردد؛ البته با توجه به نقش تنظیم‌گری دولت چه در بیمه بازرگانی (بیمه مرکزی به عنوان نهاد ناظر) و چه در بیمه‌های تامین اجتماعی (به عنوان ناظر و مجری) مفاهیم پیش رو بررسی می‌گردد.

۲-۱- بیمه در بستر اصل خدمات عمومی

خدمات عمومی بنا به ضرورت ذاتی جوامع و افراد تشکیل دهنده با توجه به شرایط عمومی و خاص آنان، یکی از دلایل وجودی متشکله ارکان اداری دولت‌ها در اجرای وظایف اساسی خدمتگزاری می‌باشد. این امر عرفی در طول سالیان متمادی با رشد قانون‌گرایی به صورت قوانینی

مستحکم درآمد و باعث رابطه مستقیم بین دولتمردان با مردم و آزادی های آنان بصورت معادله ای، تناسبی گردید (نیکنام، ۱۳۹۴، ۸). خدمت عمومی ماهیت ویژه ای در برابر سایر خدمات ندارد؛ جز اینکه هدف آن تأمین منافع عمومی است و همین عامل شخصی است که به خدمت، وصف عمومی می بخشد (موسی زاده، ۱۳۸۷، ۵۰). یکی از جوانب اصل خدمات عمومی توزیع یکسان و برابر آن برای رفع نیازهای عموم شهروندان است. مطابق این نظریه خدمات عمومی فعالیت های عام المنفعه ای هستند که، از طریق نهادهای عمومی یا نهادهای خصوصی زیر نظر اشخاص عمومی برای رفع نیازهای عمومی انجام می شوند. با توجه به اصول قانون اساسی، از جمله اصول ۳، ۲۹، ۳۰، ۴۳ و ... این نظریه به عنوان اصلی ترین مبنای وجودی دستگاه اداری دولت محسوب می شود (کاظمی، رضایی زاده، ۱۳۹۱، ۲۳). خدمات عمومی به دلیل اهمیت فراوانی که در زندگی اجتماعی دارند از اصولی تبعیت می کنند؛ این اصول عبارتند از برابری، سازگاری، تداوم، تقدم و رایگان بودن خدمات عمومی (همان صص ۳۹) نقطه مشترک تمام این تعاریف نیازهای عمومی جامعه است.

در این میان برخی از اصول حاکم بر اصل خدمات عمومی ارتباط بیشتری با بیمه پیدا می کنند. اصل اول حاکم بر خدمات عمومی این است که همه مردم می بایست به اندازه مساوی از این خدمات بهره مند گردند در واقع اصل برابری و رایگان بودن خدمات عمومی از اصول بنیادی آن است؛ همچنین بیمه های اجتماعی برای تمام افراد مشمول آن خدمات یکسان در نظر می گیرد مثلاً تمامی بانوان باردار شامل ۹ ماه مرخصی زایمان می گردند یا برای مثال همه می توانند از برخی خدمات درمانی یا هر نوع خدمات دیگری استفاده کنند و نباید این بهره مندی مختص شخص خاصی باشد؛ همینطور اصل انطباق به عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر خدمات عمومی به این معنی است که خدمات عمومی ارائه شده توسط دولت به مردم باید دائماً با تغییرات و مقتضیات منافع عمومی منطبق گردد. این اصل بیش از همه درباره متصدیان خدمات عمومی یعنی دولت ها و نهادهای دولتی ارائه کننده خدمات عمومی اعمال می شود؛ به طوری که این افراد و نهادهای باید در مسیر ارائه خدمات عمومی به شهروندان، شرایط و اوضاع احوال مادی و حقوقی خارجی را در نظر بگیرند که ممکن است بر روی نفع عمومی اثرگذار باشد.

اصل رایگان بودن خدمات عمومی یکی از اصول اساسی خدمت محسوب می شود. اما تنها برخی از حقوق دانان از آن به عنوان اصل حاکم بر خدمات عمومی یاد می کنند. مانند موريس هوریو؛ وی بر این اعتقاد بود که خدمات عمومی باید رایگان و به وسیله درآمدهای عمومی و مالیات

ها تامین گردد. اصل رایگان بودن خدمات عمومی بسیار نسبی است. در عمل خدمات صنعتی و بازرگانی که موضوع هر نوع فعالیت آنها تولید کالاها و خدمات و یا مبادله آنهاست؛ تقریباً هرگز رایگان نیستند و در ازای استفاده از آنها باید بهای خدمات را پرداخت نمود.

ابتدا این نکته را بیان نماییم که بیمه به دونوع بازرگانی و اجتماعی تقسیم می‌گردد؛ بیمه‌های اجتماعی را دولت به راهبر و مجری آن برعهده دارد و خدمات آن را ارائه می‌نماید (مانند بیمه بیکاری) و از آن سو بیمه‌های بازرگانی را شرکت‌های خصوصی که به دنبال منفعت مالی هستند ارائه می‌دهند (مانند بیمه آتش سوزی یا اتومبیل). رابطه میان اصل خدمات عمومی و بیمه را می‌توان اینگونه ترسیم نمود که اولاً در صورتی که بیمه به عنوان یک خدمت عمومی تلقی گردد، دولت باید زمینه بهره‌مندی از آن را برای همه فراهم سازد. فراهم کردن آن باید برای همه به صورت برابر باشد و منطبق با شرایط و اوضاع احوال انجام پذیرد. در عین حال لازم است تا این بهره‌مندی تداوم نیز داشته باشد. اما برخی از سایر اصول حاکم از جمله رایگان بودن، به نظر نمی‌رسد با ماهیت بیمه یکسان باشد. در واقع ماهیت بیمه چه به عنوان بیمه بازرگانی و چه به عنوان بیمه‌های اجتماعی با اخذ حق بیمه معنا پیدا می‌کند و خاصیت سرمایه‌ای و مالی دارد. همچنین دولت‌ها می‌توانند اقداماتی حمایتی در این راستا ارائه نمایند. به عنوان مثال تسهیلاتی را برای گروه‌های محروم و دارای بیشترین میزان آسیب‌پذیری فراهم سازند. اما باید به این مسأله توجه داشت که بیمه مقوله‌ای متفاوت از تامین اجتماعی است و بنابراین یک خدمت معوض است.

نسبت به بیمه رویکرد دیگری نیز می‌توان اتخاذ نمود. بیمه نه خود به عنوان یک خدمت عمومی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای بهره‌مندی از خدمات عمومی می‌تواند نگریسته شود. از این منظر اولاً تمام افراد باید حق دسترسی به خدمات عمومی را داشته باشند. بدیهی است که برای بهره‌مندی از خدمات عمومی تنها بیمه به عنوان ابزار کمکی محسوب نمی‌شود، بلکه سایر تمهیدات نیز برای این امر بکار گرفته می‌شوند. لذا استفاده از بیمه تنها مربوط به مواردی است که میان بیمه و خدمات عمومی مورد نظر انطباق و سازگاری وجود داشته باشد.

۲-۲- بیمه در بستر منفعت عمومی

منفعت عمومی مفهومی است که همواره در حال تغییر و دگرگونی است (عباسی، ۱۳۹۲: ۴۹). و شامل اموری است که برای توده مردم مطلوبیت دارد و همگان را بهره‌مند می‌سازد. بر این اساس، دولت به تشکیلاتی اطلاق می‌شود که قدرت را به منظور ارائه خدمات عمومی اعمال می‌کند؛

خدماتی که قرار است به بهترین شکل ممکن تأمین‌کننده منافع عمومی باشند. لذا می‌توان داشتن ادراکی منسجم از نفع عمومی را الزامی اساسی جهت مدیریت مؤثر و کارآمد امور جمعی تلقی کرد و آن را غایت بنیادینی دانست که دغدغه تأمین آن نقطه‌ی اشتراک تمام اعمال و تصمیمات قوای سه‌گانه حکومت‌ها است. (منصوریان، شیبانی، ۱۳۹۵، ۱۱۷).

در اندیشه‌های نوین حقوق اساسی، دولت مشروعیت و موجودیت خود را از پذیرش و شناخت مفهوم «عموم» کسب می‌کند. برای تبیین مفهوم نفع عمومی دو سنت فکری یعنی اندیشه‌های «جرمی بنتام» و «ژان ژاک روسو» قابل بررسی است. به اعتقاد روسو منفعت عمومی در برگیرنده خصوصیتی جهان شمول است؛ چیزی می‌تواند دارای نفع عمومی به شمار آید که همگان تمنای آن را داشته باشند. روسو در تحلیل خود به انتخاب و اراده افراد در تبیین منافع توجه دارد. به عبارت دیگر اراده عمومی با مفهوم خیر و صلاح عمومی در پیوند است و از اغراض و اختلافات شخصی تاثیر نمی‌پذیرد. حتی وابسته به کمیت‌های مقداری، عددی و تابع معیار اکثریت مردم یک جامعه نیست. به گفته روسو آنچه سبب عمومیت اراده است، بیشتر علاقه مشترک است که افراد و نه کثرت آرای آنها را به هم مربوط می‌کند. در مقابل بنتام معتقد بود که اجتماع مانند پیکری است که اجزای مختلف آن را افراد تشکیل می‌دهند. بر این اساس منفعت عمومی عبارت است از منافع اجزایی که روی هم پیکره اجتماع را تشکیل می‌دهند. در نگاه بنتام نفع افراد چیزی است که بر میزان لذت آنها می‌افزاید یا از میزان رنج‌های آنها می‌کاهد. در همین راستا اعمال و اقدامات دولت هنگامی در جهت منافع عمومی شمرده می‌شود که رویکرد آن مبتنی بر افزون‌سازی لذت‌های اجتماع باشد در مقابل کاستن از میزان آن متکی بر این اصل است که منابع اکثریت عددی مردم منافع عمومی است. چنین دیدگاهی زائیده انعطاف‌ناپذیرترین تعریف از مردم‌سالاری است؛ به این صورت که نتیجه‌ی تحمیل خواست حداقل پنجاه به علاوه یک درصد مردم اجتماع بر سایر افراد است ارزیابی منافع نیز باید همین قاعده را برقرار کرد و منافع اقلیت را فدای ترجیحات اکثریت نمود. بنظر می‌رسد بیمه‌نه به عنوان جنبه‌ای از اصل منفعت عمومی، بلکه به عنوان ابزاری برای دستیابی به آن می‌تواند در نظر گرفته شود. بیمه با آرامشی که به جامعه القا می‌کند باعث می‌گردد منفعت عمومی جامعه حفظ گردد؛ ابزار بیمه در وقایع و اتفاقات و حوادث گوناگون باعث می‌شود فشار کمتری به دولت‌ها و افراد جامعه ورود آید و بخشی از زیان آنان جبران گردد؛ در واقع بیمه یک کارکرد حمایتی دارد.

۳- رابطه میان بیمه با توسعه پایدار

با پذیرش این امر که بیمه در قالب اصل خدمات عمومی یا ابزاری برای کسب منفعت عمومی در حوزه وظایف دولت قرار می‌گیرد این سوال مطرح می‌شود که آیا این نهاد با سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار نیز ارتباط دارد یا خیر. به عبارتی می‌توان میان دو وظیفه دستیابی به توسعه پایدار و ارائه خدمات بیمه رابطه‌ای را برقرار دانست یا خیر. برای این منظور لازم است تا تفاوت‌های میان بیمه و توسعه پایدار و رویکرد توسعه پایدار به بیمه مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- تفاوت‌های بیمه و توسعه پایدار

یکی از مهمترین چالش‌هایی که در تبیین بیمه برای توسعه پایدار می‌تواند مطرح شود مساله اهداف این دو است. تنوع و گستردگی بیمه‌ها سوالاتی را در رابطه با ماهیت و توصیف حقوقی آنها مطرح می‌کند. به عقیده برخی عقد بیمه یک عمل حقوقی دو اراده است و ماهیت قراردادی دارد، اما ماهیت انواع مختلف آن با یکدیگر فرق دارد (آل شیخ، ۱۳۸۱، ۱۰۵). با وجود این بنظر می‌رسد برخی از خصوصیات میان انواع بیمه مشترک است. وفق ماده ۱ قانون بیمه ۱۳۱۶ بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. بنابراین می‌توان گفت اصولاً بیمه یک قرارداد معوض و جبرانی است. همینطور نظر به ماده ۳ قانون تجارت در تعریف اعمال تجاری و ماده ۳۱ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران مبنی بر لزوم فعالیت بیمه در قالب شرکت‌های سهامی، بیمه یک فعالیت تجاری محسوب می‌شود و بنابراین هدف اصلی از آن کسب سود می‌باشد.

این در حالی است که بررسی آرمان‌های توسعه پایدار نشان می‌دهد که این نهاد عمدتاً مبتنی بر اقداماتی است که دارای چهره حمایتی یا مدیریت‌الگوهای رفتاری هستند. آرمان‌هایی همچون رفع فقر و گرسنگی، سلامت و آسایش مناسب، تحصیل با کیفیت، برابری زنان و مردان، دسترسی به کار شایسته عمدتاً نیازمند اتخاذ سیاست‌های حمایتی هستند. در کنار آن مواردی همچون دسترسی به انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، آب تمیز، شهرها و جوامع پایدار، تولید و مصرف مسئولیت‌پذیر، اقدامات اقلیمی، حیات زمین، دریا و همینطور مشارکت در دستیابی به این آرمان‌ها اقداماتی هستند که در چارچوب اتخاذ سیاست‌های مدیریت رفتار و عملکرد تعریف می‌شوند. به عبارتی توسعه پایدار در دو قالب اقدامات مبتنی بر توانمندسازی و مدیریت جامعه تعریف می‌شود.

همانطور که ملاحظه می شود تفاوت های قابل توجه ماهوی میان بیمه و توسعه پایدار وجود دارد. برخلاف بیمه، توسعه پایدار یک سیاست تجاری و مبتنی بر کسب منفعت نیست. بلکه هدف از آن توسعه جامعه و افراد است. توسعه پایدار در چارچوب سیاست های مبتنی بر اعمال اقتدارات حاکمیتی دولت و نه بر مبنای انعقاد عقد دنبال می شود. در عین حال هدف آنها بهبود شرایط اشخاص و جامعه است؛ در حالی که بیمه اقدامی جبرانی است. یعنی اولاً نیازمند وقوع یک حادثه زیان بار است و دوماً هدف از آن جبران زیان و در بهترین حالت بازگرداندن شخص زیان دیده به وضعیت قبل از بروز حادثه تحت پوشش بیمه است. این در حالی است که توسعه پایدار اولاً مشروط به وقوع هیچ حادثه ای نیست و دوماً هدف بهبود وضعیت اشخاص و جامعه نسبت به وضعیت کنونی آنها را دنبال می کند. همین مساله باعث می شود تا تردیدهایی در مورد قابلیت های نقش آفرینی بیمه در توسعه پایدار ایجاد شود. اساساً چگونه می توان از یک نهاد تجاری و جبرانی که بخش قابل توجهی از آن توسط بخش خصوصی انجام می شود انتظار داشت بتواند به عنوان بخشی از سیاست های دولتی حمایتی و مبتنی بر ارتقا و توانمندسازی بهره گرفت؟ به نظر می رسد این دو ماهیتاً با یکدیگر سخنی نداشته باشند. به همین جهت در تعیین جایگاه بیمه ها برای دستیابی به توسعه پایدار نمی توان نقشی مستقیم قائل شد، بیمه ها اساساً برای بهبود شرایط بیمه گذار ایجاد نشده اند و در عین حال تا زمانی که حادثه ای زیان باری رخ ندهد نیز بکار نمی آیند. در چنین شرایطی برای تعیین نقش بیمه ها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار باید به آثار جانبی آنها و نه هدف اصلی بیمه ها توجه داشت. با وجود این بنظر می رسد رویکرد جامعه بین المللی نسبت به بیمه در توسعه پایدار تا حدودی متفاوت است.

۲-۳- رویکرد توسعه پایدار نسبت به بیمه

همانطور که گفته شد علیرغم وجود پتانسیل های قابل توجه بیمه، این مهم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در میان آرمان های توسعه پایدار، برخورداری از بیمه برای افراد جامعه به چشم نمی خورد. با وجود این امر به معنای عدم توجه مطلق به بیمه نیز نبوده است. در میان هدف گذاری هایی که برای کاهش فقر پیش بینی شده است، اجرای سیستم های تامین اجتماعی مناسب ملی و اقداماتی برای همه شامل پوشش قابل توجه برای فقرا و اقشار آسیب پذیر به چشم می خورد. لذا بنظر می رسد دست کم بیمه هایی که در قالب سیستم های تامین اجتماعی ملی تعریف می شوند، به عنوان ابزاری برای محو فقر مورد توجه قرار گرفته اند. با وجود این ذیل دیگر آرمان های توسعه

پایدار به این مهم اشاره ای نشده است. همین مساله این سوال را مطرح می سازد که چه جایگاهی را باید برای بیمه در نظر گرفت.

بنظر می رسد به طور کلی در مورد بیمه سه جایگاه را می توان در نظر گرفت. ۱- بیمه می تواند به عنوان یک ابزار برای دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفته شود. برنامه عمل آدیس آبابا برای تامین مالی توسعه در این رابطه بیان می دارد: برای دستیابی به نیازهای مالی بلند مدت ما به سوی توسعه بازارهای داخلی سرمایه به خصوص در موارد مناسب، بازارهای بلندمدت اوراق قرضه و بازار بیمه از جمله بیمه محصولات کشاورزی با شروطی غیر مخرب آکار خواهیم کرد. همینطور سند مذکور در جای دیگر بیان می دارد: « ما استفاده از بیمه، تضمین های سرمایه گذاری ... و ابزارهای مالی جدید برای تشدید سرمایه گذاری خارجی مستقیم در کشورهای در حال توسعه را مورد استفاده قرار می دهیم (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵، ۲۲)». رویکرد اتخاذ شده از سوی این نهاد نشان می دهد که بیمه به عنوان یک ابزار برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار مورد توجه بوده است. ۲- جایگاه دوم که طرفداری ندارد این است که بیمه می تواند به عنوان یکی از مولفه های توسعه پایدار نگریسته شود. به عبارتی در بررسی تحقق توسعه پایدار در یک کشور، میزان افراد تحت پوشش بیمه به خودی خود مدنظر قرار گیرد؛ البته در هیچ یک از اسناد بین المللی اشاره ای به آن نشده و صرفاً یک فرض می باشد. ۳- سومین رویکرد استفاده از بیمه به عنوان بخشی از سازوکارهای برنامه ریزی و مدیریت سیاست های توسعه می باشد. در خصوص رویکرد اخیر اسناد بین المللی موضع مشخصی را اعمال نکرده اند، با وجود این بنظر می رسد این رویکرد نیز مورد توجه است. در ادامه لازم است تا کارکردهای بیمه برای دستیابی به توسعه پایدار مورد بررسی قرار گیرد.

۴- کارکرد های بیمه برای دستیابی به توسعه پایدار

علیرغم تفاوت های ماهوی که میان بیمه و توسعه پایدار وجود دارد، همچنان بیمه می تواند در دستیابی به توسعه پایدار سهیم باشد. اما برای این امر لازم است تا سطحی از انطباق میان کارکردهای

۲ non-distortive terms

۳ Addis Ababa Action Agenda of the Third International Conference on Financing for Development (Addis Ababa Action Agenda)

بیمه با اهداف توسعه پایدار تعریف شود. این بدان معنی است که کارکردهای بیمه باید در خدمت توسعه پایدار تعریف شوند. کارکردهای بیمه را می توان در دو قالب کارکردهای مستقیم و غیر مستقیم تقسیم بندی نمود.

۴-۱- کارکردهای مستقیم

در این راستا کارکردهای انتقال ریسک و کارکردهای حمایتی بیمه مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع در کارکرد مستقیم، بیمه بدون واسطه با انتقال ریسک یا قبول ریسک موضوع قرارداد و همچنین حمایت از زیان دیده مستقیماً ورود می نماید. به صورت کلی مدیریت بیمه یعنی مدیریت خطر و ریسک، هرچه قدر خطر بالاتر و قوی تر باشد؛ ریسک مورد بیمه نیز افزایش می باید و بالطبع آن حق بیمه بیشتری دریافت می گردد؛ پس آنچه که در صنعت بیمه مهم هست ارزیابی ریسک است. این ارزیابی در مورد خطرات بالفعل (Danger) و خطرات بالقوه (Risque) رابطه مستقیم دارد؛ به طور مثال یک پروژه پالایشگاهی خطر بالقوه انفجار را دارد و این ریسک بیمه گر را در صورت نداشتن موارد مورد نیاز پیشگیری (نظیر سیستم اطفای حریق) افزایش می دهد و یا ممکن است یک فردی که سن وی بالا رفته است و به بیماری مبتلا است تقاضای بیمه اجتماعی (بازنشستگی) یا درمان تکمیلی نماید که این خود یک خطر بالفعل است و شرکت بیمه گر با بیمه نمودن وی قطعاً دچار زیان می گردد چراکه بایستی هزینه های درمان وی را پرداخت نماید.

۴-۱-۱- کارکردهای مبتنی بر مدیریت ریسک

یکی از کارکردهای بیمه از طریق انتقال ریسک صورت می پذیرد. تعریفی عمومی می توان گفت ریسک به خطری گفته می شود که وقوع آن در آینده محتمل باشد. به طور کلی ریسک به انواع مختلفی تقسیم می شود از جمله آنها می توان به ریسک های پویا و ایستا اشاره کرد. ریسک های پویا در نتیجه تغییرات اقتصادی ایجاد می شوند از جمله آنها می توان به تغییر سطح درآمد یا قیمت ها اشاره داشت. در مقابل ریسک های ایستا در نتیجه عواملی مثل ضرر طبیعی یا اشتباهات انسانی به وجود می آیند، طبق نظم خاصی بوجود می آیند و اکثراً قابل پیش بینی هستند و به همین دلیل برای بیمه شدن بهتر هستند مثل تصادفات رانندگی یا آتش سوزی.

مدیریت ریسک در واقع چند اثر شامل کاهش ریسک، توزیع ریسک و انتقال ریسک را با خود به همراه دارد. مدیریت ریسک یک فرآیند مهم در چارچوب توسعه پایدار جهانی و سازمان یافته است. این امر به برنامه ریزان برای آماده بودن برای خطرات سازمان یافته و کاهش هزینه ها قبل از

وقوع حوادث کمک می‌کند. مدیریت ریسک در دستیابی به اهداف سازمانی کمک می‌کند. هدف از مدیریت ریسک در صنایع کاهش دادن ریسک‌هایی است که استمرار تولید را با چالش مواجه می‌سازد. بیمه را می‌توان یکی از استراتژی‌های مهم تسهیم ریسک دانست در این رویکرد یک طرف قرار داد (بیمه‌گذار) با پرداخت هزینه‌ای ریسک‌های مشخصی را به طرف دیگر (بیمه‌پذیر) که با دریافت حق بیمه جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از ریسک را می‌پذیرد. (سعدی، ۱۳۹۱، ۱)

شرکت‌های بیمه به عنوان مدیران ریسک، حاملان ریسک و سرمایه‌گذار نهادی، نقش منحصربه‌فردی در حل چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبردی مانند تغییرات اقلیمی و موضوعات حقوق بشر ایفا می‌کنند. لذا توجه به مسائل پایداری و ریسک‌های مرتبط با آن در شرکت‌های بیمه و لحاظ آن‌ها در فعالیت‌های بیمه‌ای اهمیت دارد.

از جمله حوزه‌های تأثیرپذیر از مدیریت ریسک در توسعه پایدار، کشاورزی است. کشاورزان با انواع مختلفی از ریسک‌های آب و هوایی، آفات، بیماری، ریسک بازار و مواد اولیه مواجه‌اند. بنابراین ریسک‌ها باید توسط کشاورزان مدیریت شوند. بیمه درآمدی با کاهش نوسانات مربوط به قیمت و تولید محصولات کشاورزی، می‌تواند این تغییرات احتمالی را مدیریت کند. طرح‌های مختلف بیمه کشاورزی از ابزارهای مدیریت ریسک است که طیف وسیعی از خطرات را پوشش می‌دهد و از پیش در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما بیمه‌های ابزاری هزینه‌بر است و بالطبع طراحی الگوهای بیمه‌ای جدید و ارائه آن‌ها به گونه‌ای که از یک طرف درآمد تولیدکنندگان این بخش را تثبیت کند و از طرف دیگر هزینه‌های اجرایی بیمه را بکاهد (اقبال ۱۳۹۳، ۱). می‌تواند نقش موثری در ارتقای زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار در حوزه کشاورزی و به تبع آن در دیگر حوزه‌های مرتبط از جمله تامین منابع غذایی جامعه داشته باشد. همین‌طور می‌توان به بیمه جهت انتقال ریسک در صنعت نفت نیز اشاره داشت که نقش قابل توجهی در فراهم ساختن زیرساخت‌های توسعه پایدار دارد (موسویان، ۱۳۹۴، ۵).

در سطح کلان بیمه‌ها با توزیع ریسک فعالیت‌های اقتصادی میان بیمه‌گران، زمینه برای فعالیت‌های تجاری را فراهم می‌سازند و از این طریق مولفه‌های وابسته به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری توسعه پایدار را توسعه می‌دهند. در عین انتقال ریسک از طریق بیمه شرایط اطمینان بخش تری را فراهم می‌سازد. بسیاری از فعالیت‌های مورد نیاز برای توسعه به جهت ریسک‌زیان آن مورد استقبال قرار نمی‌گیرند. لذا سرمایه‌گذاری در آن حوزه‌ها مختل می‌شود. بیمه از طریق انتقال

ریسک زمینه افزایش اطمینان بخشی برای سرمایه گذاری در این دست از فعالیت ها را فراهم می سازد. از جمله می توان به بیمه زیان پولی اشاره کرد. موضوع این بیمه میزان معینی پول است که بیمه گر به دلیل عدم ایفای تعهد بیمه گذار می پردازد. انواع بیمه های زیان پولی عبارتند از: ۱- بیمه اعتبار ۲- بیمه تضمین ۳- بیمه عم النفع ۴- بیمه صداقت و امانت. (کریمی، ۱۳۹۶، ۵۶) این نوع بیمه هر نوع زیان مالی را که ممکن است به علت اختلال در فعالیت اقتصادی و وامهای رهنی اتفاق افتد تحت پوشش قرار می دهد.

۴-۲- کارکردهای حمایتی

علاوه بر مدیریت ریسک، بیمه نقش قابل توجهی نیز در حمایت های اجتماعی دارد. این کارکرد بیمه عمدتاً در قالب بیمه های تامین اجتماعی مشاهده می شود. این بیمه ها به طور کلی از دو طریق می توانند در دستیابی به توسعه پایدار ایفای نقش نمایند. یکی از طریق فراهم ساختن شرایط برای دستیابی مستقیم به اهداف توسعه پایدار و دیگری امکان مدیریت بحران برای اجتناب از محرومیت.

۴-۲-۱- بیمه های درمانی

در دسته نخست می توان به بیمه های درمانی اشاره کرد. تضمین زندگی سالم و ارتقای آسایش برای همه در تمام سنین به عنوان سومین آرمان توسعه پایدار پیش بینی شده است. در همین راستا نیز یکی از اهداف پیش بینی شده دستیابی به پوشش سلامت جهانی شامل حمایت ریسک های مالی، دسترسی به خدمات اساسی مراقب سلامت با کیفیت و دسترسی به داروها و واکسن های اساسی ایمن، موثر، با کیفیت و قابل دسترسی برای همه و همینطور مدیریت ریسک های مرتبط با سلامت می باشد. بدیهی است بخش قابل توجهی از این اهداف نیازمند بهره مندی از پوشش بیمه درمانی است. لذا وفق ماده ۲ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور: «به منظور توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی و اعمال وظایف سیاست گذاری، برنامه ریزی، ایجاد هماهنگی های اجرایی هدایت، نظارت و ارزشیابی سطح کمی و کیفی بیمه خدمات درمانی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می گردد». این بیمه ها علاوه بر بیمه شده اصلی و تبعی و دیگر گروه های تحت پوشش افراد نیازمند را نیز شامل می شود. افراد نیازمند از منظر این قانون «به افرادی اطلاق می شود که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، جسمی و روانی توانایی اداره زندگی خود و خانواده

تحت تکفل خود را ندارند. مصادیق افراد نیازمند حسب مورد به پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی تعیین می‌شود.

پاندمی کووید ۱۹ شوک مالی غیر قابل انتظاری را بر رشد اقتصادی به همراه داشته است. بانک جهانی تخمین می‌زند که کووید ۱۹ منجر به حدود ۱۱۹ تا ۱۲۴ مورد فقر جدید در سال ۲۰۲۰ شده؛ هر چند کشورهای دارای شبکه امنیتی قوی وضعیت بهتری دارند. نقش بیمه با ارائه پوشش‌های درمانی به افراد مبتلا و یا پرداخت خسارت افرادی که کسب و کار آنان را به دلیل قوانین قرنطینه تعطیل نمودند مهم و تاثیرگذار بود. بیمه به عنوان یک مکانیسم حمایت از ریسک نقش مهمی را در ۹ مورد از آرمان‌های توسعه پایدار، یعنی محو فقر، کاهش نابرابری، گرسنگی، سلامت، برابری جنسیتی، کارشایسته و رشد اقتصادی، زیرساخت‌ها و ابداعات صنعتی، تغییرات اقلیمی و مشارکت برای دستیابی به آرمان‌ها ایفا می‌کند. در اینگونه موارد دو قالب برای نقش‌افزینی بیمه به عنوان وسیله می‌توان در نظر گرفت. نخست اینکه بیمه به عنوان یک ابزار اصلی ایفای نقش نماید و دیگر اینکه برای آن یک نقش تکمیلی قائل گردد.

۴-۲-۲- بیمه‌های کارگری

کارکرد حمایتی دیگر بیمه، ایجاد سازوکارهایی برای محرومیت‌اشخاص در موارد مواجهه با بحران‌ها است. از جمله این بیمه‌ها می‌توان به بیمه تامین اجتماعی کارگران اشاره داشت. بر اساس ماده ۱ قانون بیمه‌های تامین اجتماعی کارگران مصوب ۱۳۳۹/۱/۲۱ «تأمین و اجرای بیمه‌های اجتماعی کارگران به عهده سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران ... محول می‌گردد». این بیمه شامل موارد: «۱- حوادث ناشی از کار و بیمار حرفه‌ای. ۲- حوادث و بیماری‌های غیر ناشی از کار - حاملگی - وضع حمل. ۳- ازکارافتادگی - بازنشستگی - فوت. ۴- ازدواج» می‌شود. ماده ۴ قانون بیمه تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴، مشمولین این قانون را شامل الف - افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند. ب - صاحبان حرف و مشاغل آزاد و ج - دریافت‌کنندگان مستمری‌های بازنشستگی، ازکارافتادگی و فوت. معرفی می‌کند. بیمه‌های مذکور زمینه برای اجتناب از محرومیت بیشتر اشخاص را در موارد مواجهه با حوادث فراهم می‌سازد. و بدین ترتیب تا حدودی بار مالی دولت را در اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کاهش می‌دهد.

بیمه بیکاری برای حمایت از اقشاری که به صورت موقت و غیرارادی شغل خود را از دست داده‌اند، به وجود آمده است. وفق ماده ۳ قانون بیمه بیکاری مصوب سال ۱۳۶۹: «بیمه بیکاری به

عنوان یکی از حمایت‌های تأمین اجتماعی است و سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با دریافت حق بیمه مقرر، به بیمه‌شدگانی که طبق مقررات این قانون بیکار می‌شوند مقرری بیمه بیکاری پرداخت نماید. ماده ۲ این قانون بیمه‌شدگانی که به علت تغییرات ساختار اقتصادی واحد مربوطه به تشخیص وزارتخانه ذیربط و تأیید شورای عالی کار بیکار موقت‌شناخته شوند؛ همین‌طور بیمه‌شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیر مترقبه از قبیل سیل، زلزله جنگ، آتش‌سوزی و... بیکار می‌شوند را نیز پوشش می‌دهد.

علاوه بر آن می‌توان به بیمه عمر هم اشاره داشت. بیمه عمر در جهان کنونی، یکی از ابزارهای مهم اقتصادی بوده و استفاده‌های متعددی از آن به عمل می‌آید که مهمترین نقش خود را در تأمین و تضمین آتیه خانواده‌ها ایفاء می‌کند. همچنین بیمه‌های عمر به عنوان یکی از منابع سرمایه‌های عظیم بوده و نقش پس اندازی برجسته تری دارند (هاشم پور، عبدالرحیمیان، رحیمی، ۱۳۹۶، ۱).

۴-۳- کارکردهای غیر مستقیم

با توجه به نقش رو به فزونی بخش خصوصی در رشد اقتصادی و مکانیسم‌های استخدام، آنها می‌توانند کالاها و خدماتی را ارائه دهند، درآمدهای مالیاتی را برای تأمین مالی زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم سازند و راه‌های جدید و ابتکاری‌ای را برای حل چالش‌های توسعه ایجاد می‌کنند. به عقیده برخی بیمه نقش غیر مستقیم در ۵ مورد از آرمان‌های توسعه، شامل آموزش، صنعت، ابداعات و زیرساخت‌ها، کاهش نابرابری، مشارکت برای اهداف و در نهایت شهرها و جوامع پایدار ایفا می‌کند. برنامه عمران ملل متحد بر این عقیده است که بیمه می‌تواند برای دستیابی به اهداف ۲۰۳۰ موثر باشد و در این میان شرکت‌های بیمه می‌تواند در موضوعات از جمله فجایع طبیعی، تغییرات اقلیمی، اختلالات اجتماعی-اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت موثر باشند. در همین راستا گزارشی در سال ۲۰۱۵ توسط این نهاد نیز ارائه شد که به موضوع بهره‌گیری از بیمه برای توسعه پایدار اختصاص یافته است. این گزارش تحقیقی در مورد طراحی یک سیستم مالی پایدار به منظور بهبود انتخاب‌های بیمه برای بهبود اثربخشی سیستم‌های مالی در انتقال سرمایه به سوی اقتصادی جامع و سبز یا به عبارت دیگر توسعه پایدار بود.

اصول برنامه عمران ملل متحد برای بیمه پایدار به عنوان چارچوبی جهانی برای صنعت بیمه به منظور شناسایی خطرات و فرصت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی عمل می‌کند (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵، ۱). گزارش مذکور بیمه را به عنوان قلب سیستم مالی پایدار معرفی

می‌کند. کاهش ریسک فجایع طبیعی، تامین مالی برای توسعه، نقاط عطفی را برای نقش آفرینی بیمه در دستیابی به اهداف توسعه پایدار فراهم می‌سازند. (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵، ۴)

یکی از کاربردهایی که می‌توان برای بیمه در نظر گرفت اطلاعات بیمه‌ها در رابطه با ریسک‌ها می‌باشد. شرکت‌های بیمه برای تنظیم سیاست‌های بیمه‌ای خود اقدام به جمع‌آوری داده و تجزیه و تحلیل آنها می‌نمایند و بدین ترتیب فراوانی اتفاقات، شرایط وقوع، آثار آنها و همبستگی گروه‌های متاثر از این حوادث را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. اطلاعات و داده‌های شرکت‌های بیمه می‌توانند به عنوان منبع موثقی برای تنظیم سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها به کار گرفته شوند. شرکت‌های بیمه به واسطه نوع فعالیت خود اطلاعات دقیقی از گروه‌های تحت پوشش از جهات مختلف اعم از توزیع سنی، موضوعی، جغرافیایی و غیره دارند. بنابراین می‌توانند اطلاعات دقیقی از وضعیت جامعه در موضوعات مختلف ارائه دهند. به عنوان مثال در حوزه دارو آنها می‌توانند اطلاعاتی در مورد میزان تقاضای رسمی داروهای مشخص، گروه‌های هدف و توزیع جغرافیایی آن ارائه دهند که می‌تواند در تنظیم سیاست‌های مدیریت دارویی کشور مورد استفاده قرار گیرد. به طور مشابه می‌توان به بیمه‌های حوادث رانندگی اشاره داشت. اطلاعات و داده‌های خام این شرکت‌ها و همبستگی‌های این داده‌ها که شرکت‌ها بیمه برای محاسبات خود مورد استفاده قرار می‌دهند، در مواردی می‌توانند نیازهای اطلاعاتی سازمان‌های دولتی را برطرف نماید و بدین ترتیب موجب صرفه‌جویی در نیروی انسانی مورد نیاز و زمان برای جمع‌آوری داده شود و بدین ترتیب امکان تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های هدفمندتر و کارآمدتری را فراهم خواهد ساخت. به طور مثال در ایران دولت می‌تواند این اطلاعات را به سازمان برنامه و بودجه ارائه دهد تا در برنامه‌های توسعه براساس این اطلاعات برنامه ریزی نمایند.

درسته‌ای از این اطلاعات مربوط به حوادث مختلف است. با توجه به اینکه شرکت‌های بیمه برای برنامه ریزی سیاست‌های بیمه خود نیازمند اطلاعات کامل و جامعی از حوادث و آثار آنها هستند، بنابراین می‌توانند هم به عنوان یک مرکز دارنده اطلاعات مربوط به خطرهای مختلف و هم به عنوان مجریان چنین طرحی‌ها در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال در مواردی که لازم است برنامه‌هایی برای تخصیص بودجه‌های مختلف بهداشتی، زیست محیطی و غیره صورت پذیرد، اطلاعات این شرکت‌ها می‌تواند برای تنظیم چگونگی توزیع منابع و بودجه سودمند باشد در عین حال با توجه به اینکه بخشی از فعالیت‌های شرکت‌های بیمه مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد؛

دولت‌ها می‌توانند از آنها در فرآیند برنامه‌ریزی نیز بهره‌گیرند. البته در بهره‌گیری از یکی دیگر از کاربردهای بیمه‌ها در تقلیل ریسک از طریق پوشش خطرات و آثار مالی آنها می‌باشد. بیمه‌ها از این طریق می‌توانند در تامین مالی پایدار و سرمایه‌گذاری بلندمدت سهیم باشند. در این راستا یکی از کارکردهایی که برای شرکت‌های بیمه تعریف شده به عنوان سرمایه‌گذاران و مدیران ریسک است. بسیاری از شرکت‌های بیمه در حال ورود معیارهای ESG در فرآیندهای سرمایه‌داری خود هستند. هر چند آنها هنگام سرمایه‌گذاری با موانعی همچون ظرفیت محدود بازار، فقدان طبقه بندی واضح، استانداردها و روش‌های ارزیابی سرمایه‌گذاری و فقدان مکانیسم‌های کافی و غیره مواجه هستند. این شرکت‌ها از طریق مدل‌سازی‌ها و ارزیابی ریسک‌ها می‌توانند ذخایر فنی برای زیان‌های مورد انتظار و هم‌منظور ضربه‌گیر برای زیان‌های پیش‌بینی نشده را محاسبه کنند. این ارزیابی خسارات می‌تواند یک مولفه مهم برای شرکت‌های بیمه باشد.

در نهایت کارکرد دیگر بیمه کارکرد نظارتی بیمه است. با توجه به اینکه سهل‌انگاری و عدم مراقبت کافی از سوی بیمه‌گذار زمینه عدم بهره‌مندی از بیمه را فراهم می‌سازد، از طریق شرکت‌های بیمه می‌توان تضمین‌های موثرتری برای اجرای سیاست‌های مراقبتی فراهم نمود. این مساله به خصوص در بیمه‌های زیست‌محیطی نسبت به کارخانجات تولیدکننده مواد زیان‌بخش برای محیط زیست می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در اینگونه موارد بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای مستلزم پیروی از اقدامات احتیاطی است که می‌تواند در حفظ محیط زیست آبی و خاکی، همسو با آرمان‌های شماره ۱۴ و ۱۵ توسعه پایدار موثر باشد. لازم به ذکر است در قانون اساسی ایران نسبت به این بخش از توسعه پایدار (توسعه زیست‌محیطی) در اصل ۵۰ اشاره شده است؛ همچنین در عرصه بین‌المللی نیز براساس اصل پیشگیری و احتیاط به منظور جلوگیری از خطرات یقینی موجود در حوزه محیط زیست اشاره شده است. نهاد‌های بین‌المللی نیز، در مسائل مربوط به اصل پیشگیری در حقوق بین‌الملل محیط زیست ضمن تأکید بر اهمیت این اصل، جهت تحقق هرچه بهتر آن، الزاماتی را برای دول به عنوان تابعان اصلی حقوق بین‌الملل، می‌شناسد؛ دولت‌ها نیز در دادخواست‌ها و دفاعیات خویش به اصل پیشگیری توجهی ویژه داشته‌اند و بر ضرورت وجودی و لزوم رعایت آن تأکید کرده‌اند.

۵- استفاده از ابزار بیمه در قوانین پنج ساله توسعه ایران

در مباحث بالا این جمع‌بندی به دست آمد که بیمه می‌تواند به عنوان یک ابزار در تحقق

سیاست های توسعه پایدار استفاده گردد؛ برابر اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه ریو، دستورالعمل ۲۱، اعلامیه توسعه هزاره، دستورالعمل آفریقایی ۲۰۶۳ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحتاً دولت‌ها ملزم گردیده‌اند تا با وضع قوانین و استفاده از ابزارها نسبت به تحقق توسعه پایدار و اهداف آن اقدام نمایند. شیوه اجرایی کردن توسعه پایدار بر عهده خود دولتها نهاده شده است و بنابراین ابعاد حقوقی دستیابی به توسعه پایدار را باید در بستر مقررات داخلی جستجو نمود. به عبارتی هر دولت در چارچوب سیاست‌های داخلی خود قوانینی را تدوین می‌نماید که دستیابی به توسعه پایدار را مدنظر قرار داده و تلاش دارد تا اهداف و آرمان‌های ترسیم شده در اسناد بین‌المللی را در نظام داخلی شاخص‌بندی و برنامه‌های اجرایی آنها را مشخص سازد. ماهیت این نهاد حقوقی به گونه‌ای است که ابعاد آن در قالب برنامه‌های بلندمدت مشخص می‌شوند زیرا توسعه پایدار در واقع راهبردی فرانسلی را معرفی می‌کند و برای این منظور تنها افق‌هایی را پیش روی دولت‌ها ترسیم می‌کند که آنها موظفند در سیاست‌های خود این افق‌ها را در قالب آرمان‌ها و بر اساس این آرمان‌ها در شکل ملموس‌تری تحت عنوان اهداف هدف‌گذاری کرده و برای آنها شاخص‌هایی معین شود.

همانطور که در ابتدای تحقیق اشاره شد از زیرمجموعه‌های توسعه پایدار، توسعه انسانی است، توسعه انسانی حقوق بشر و اقشار آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار می‌دهند و لازم است تا رویکرد یکسانی در این خصوص از سوی این دو حوزه اتخاذ شود. این بدان معناست که اقشار آسیب‌پذیر نیز همانند سایر اقشار برخوردار هستند و بنابراین هرگونه سیاست مبتنی بر توسعه پایدار که از سوی دولت‌ها اتخاذ می‌شود باید به اولویت‌ها و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر نیز توجه داشته باشد. اولین گام در شناخت سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار در رابطه با گروه‌های آسیب‌پذیر، بررسی تمهیداتی است که نسبت به کلیه اقشار آسیب‌پذیر قابل اعمال هستند. در این دسته تعلق اشخاص آسیب‌پذیر به گروه مذهبی، قومیتی، زبانی یا نژادی خاصی مدنظر نیست، بلکه هر فردی فارغ از موقعیت مذکور صرفاً به این جهت که در زمره اقشار آسیب‌پذیر قرار می‌گیرد، باید از این حمایت‌ها برخوردار باشد.

این مساله در مورد ایران نیز صادق است. در ایران چندین برنامه توسعه پنج‌ساله نگارش یافته است که بخشی از این برنامه‌ها به جنبه‌های حقوق بشری افراد و جوامع توجه دارند. بنابراین انتظار می‌رود که نشانه‌هایی از توجه به حقوق اقشار آسیب‌پذیر نیز در این برنامه‌ها به عنوان سیاست

کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته شده باشد. البته لازم به ذکر است که مساله توسعه پایدار در ایران با چالش های جدی مواجه است. در یک تحقیق که بر اساس شاخص های کمی جمع آوری شده در خصوص وضع توسعه پایدار در کشور از منظر شاخص های کمی مرگ کودکان و مادران، شاخص توسعه انسانی، بهبود داشته، اما کیفیت هوا، بیکاری، افزایش تورم و سایر آسیب های اجتماعی روندی به بدتر شدن داشته است. مهمترین این علل در کند بودن توسعه پایدار، وابسته بودن به درآمد نفت، بیکاری، افزایش تورم، بی عدالتی در درآمد، وجود فقر، نبود دبیرخانه فراوزارتهی توسعه پایدار است. وظیفه بخش سلامت داشتن نگاه جامع به سلامت است (سلطانی پور، ۱۳۹۷، ۱۴). در این میان مساله حقوق اقشار آسیب پذیر از ابهامات بیشتری نیز رنج می برد. هر چند تحقق این اهداف مستلزم سیاست هایی است که اجرایی شدن هفده آرمان توسعه پایدار را قابل تحقق نماید. لذا لازم است تا سیاست های توسعه ای مندرج در برنامه های ۶ ساله توسعه ایران در دو سطح سیاست های مشترک و سیاست های مختص گروه های آسیب پذیر مورد بررسی قرار گیرند

امروزه مبحث توسعه پایدار به عنوان یکی از کلیدی ترین دغدغه های مهم در جامعه بشری مطرح می باشد به طوری که اکثر کشورهای جهان سعی می کنند در این زمینه پیشگام باشند. به همین منظور، اغلب این کشورها برای رسیدن به این مهم، دست به تغییر و تحولات در بعد جهانی می زنند. با توجه به اهمیت و ضرورت توسعه پایدار کشورها همچنین لزوم توجه به این امر در کشور ما باید به عواملی که این توسعه را به همراه دارند اهمیت و توجه کافی را داشت. در یک پژوهش با هدف بررسی جایگاه ۱۶ کشور خاورمیانه از لحاظ وضعیت توسعه پایدار با استفاده از ۳۲ شاخص توسعه پایدار با تاکید بر کشور ایران از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۲ تهیه شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در سال ۲۰۰۶ با توجه به شاخص های مورد مطالعه کشور تونس، کویت و مصر، در سال ۲۰۰۸ کشورهای کویت، تونس و ترکیه، در سال ۲۰۱۰ کشورهای مصر، ترکیه و ایران و در سال ۲۰۱۲ نیز به ترتیب کشورهای ترکیه، کویت و تونس در جایگاه های اول تا سوم قرار گرفته اند. همچنین با توجه به نتایج کشور ایران در سال ۲۰۰۶ در جایگاه چهارم، در سال ۲۰۰۸ با یک رتبه صعود در جایگاه چهارم، در سال ۲۰۱۰ نیز با یک رتبه صعود نسبت به سال ۲۰۰۸ در جایگاه سوم و بلاخره در سال ۲۰۱۲ با یک رتبه نزول دوباره در جایگاه چهارم در میان ۱۶ کشور مورد مطالعه در خاورمیانه قرار گرفته است (محمدی حمیدی و سبحانی، ۱۳۹۷، ۹۹).

در برنامه های توسعه اول تا ششم در بخش هایی به اقشار آسیب پذیر و لزوم ایجاد برنامه های

مختلف برای آنان پرداخته شده است؛ برنامه‌های توسعه ایران در گذشته تنها بر مبنای یک سناریو در نظر گرفته می‌شد. باید در موقعیت‌های متفاوت بررسی کرد که چه پیش‌ران‌هایی در طراحی سناریوها مؤثر است یکی از ابزارهایی که می‌توان از آن استفاده نمود بیمه است؛ از بیمه می‌توان در برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده و برنامه‌ریزی سناریو محور استفاده کرد. اکنون که سازمان برنامه و بودجه و دولت در حال تهیه برنامه توسعه هفتم هستند و با توجه به اینکه بایستی از اندیشه دولت توسعه‌گرا پشتیبانی نمود؛ بنظر می‌رسد وقت آن است که از بیمه به عنوان یک ابزار در تقویت و تحقق سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار استفاده نمود؛ این مهم در برنامه توسعه هفتم می‌تواند قرار گیرد؛ اولین و مهمترین چالشی که برای بهره‌مندی از بیمه در توسعه پایدار در ایران وجود دارد به‌خلاء وجود یک سیاست منسجم برای دستیابی به توسعه پایدار مربوط می‌شود. بنابراین در اولین گام لازم است تا برنامه مشخصی در این خصوص تدوین شود. این برنامه می‌تواند در قالب یک برنامه مستقل تدوین پذیرد یا در چارچوب قانون برنامه‌های آتی پنج‌ساله توسعه آندوین گردد. به‌طور کلی ساختار این برنامه باید متشکل از چندین بخش باشد که عبارتند از مولفه‌های توسعه پایدار، معیارها و شاخص‌های دستیابی به مولفه‌های مذکور، اهداف مشخص بر اساس بازه‌های زمانی برای دستیابی به معیارهای مشخص و ابزارهای دستیابی به این اهداف. در واقع یک نظام مقرراتی مشخص برای دستیابی به توسعه پایدار چه به صورت مستقل و یا در چارچوب برنامه‌های آتی پنج‌ساله توسعه کشور پیش‌بینی شود. اگر بیمه را به عنوان مولفه‌ای در کنار سایر مولفه‌ها در نظر بگیریم می‌توانیم پیشنهاد نماییم دولت در برنامه‌های توسعه ملزم به برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف توسعه‌ای گردد؛ این مهم می‌تواند به صورت ماده واحده‌ای در برنامه توسعه هفتم باشد.

نتیجه‌گیری

استفاده از بیمه در چارچوب دستیابی به توسعه پایدار از جمله موضوعاتی است که حدود و ثغور آن به روشنی مشخص نشده است. نه در چارچوب اسناد بنیادین توسعه پایدار و نه اسناد مرتبط، به‌طور مشخص نسبت به نقش بیمه توجه نشده است. با وجود این بنظر می‌رسد این صنعت از قابلیت‌هایی برای تأثیرگذاری بر توسعه پایدار برخوردار است. علیرغم سکوت اسناد بین‌المللی بیمه هم به عنوان یکی از اجزای توسعه پایدار و به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به توسعه

^۱. برنامه توسعه هفتم که هم‌اکنون توسط سازمان برنامه و بودجه در حال گردآوری است.

پایدار می تواند نقش آفرینی کند. با وجود این به لحاظ تفاوت های ماهوی و کارکردی که میان بیمه و توسعه پایدار وجود دارد، ایفای نقش این صنعت دارای محدودیت هایی هم به لحاظ موضوعی و هم به لحاظ کارکرد است.

بیمه به عنوان یک قرارداد برای جبران خسارت، نیازمند پیش نیازها و در عین حال دارای کارکردهایی است که به طور مستقیم به شکل محدودی می توانند با اهداف توسعه پایدار همخوانی داشته باشند. با وجود این تاثیرگذاری آن نسبت به اهداف متنوع توسعه پایدار یکسان و یک شکل نیست. در مواردی بیمه یک ابزار مستقیم برای دستیابی به برخی از اهداف توسعه پایدار است و در مواردی می تواند به عنوان یک ابزار کمکی ایفای نقش نماید. در عین حال بیمه می تواند از طریق فراهم ساختن پیش نیازهای لازم برای سیاست گذاری صحیح و همینطور یک منبع تامین مالی به شکل غیر مستقیم نیز در تقویت سیاست های مثبتی بر توسعه پایدار ایفای نقش نماید. بنظر می رسد پتانسیل های بیمه امکان بهره گیری بیشتر از آن را نیز می تواند فراهم سازد. همچنین دولت می تواند از ظرفیت اطلاعاتی که از بیمه شدگان در دسترس است یک بانک اطلاعاتی کامل را درست نماید تا بدین ترتیب بتواند برنامه ریزی نماید.

با توجه به اینکه از بیمه به عنوان یک ابزار می توان برای تحقق توسعه پایدار استفاده نمود و یکی از اقسام توسعه پایدار، توسعه انسانی و توجه به اقشار آسیب پذیر است که در برنامه های اول تا ششم توسعه ایران به آنان پرداخته شده است و همچنین هم اکنون نیز دولت و سازمان برنامه و بودجه در حال تنظیم برنامه هفتم توسعه هستند؛ می شود از این ظرفیت جهت حمایت از اقشار آسیب پذیر استفاده کرد و در برنامه توسعه هفتم با ابزار بیمه از لطمه دیدن اقشار آسیب پذیر پیشگیری نمود؛ اما برای این امر نیاز است صنعت بیمه در بستر جامع تری تحت عنوان بیمه توسعه پایدار ساختار بندی شود.

منابع

- اقبال، فریبا (۱۳۹۳). مدیریت ریسک کشاورزی در ایران و نقش عملکرد بیمه، دومین همایش ملی مهندسی و مدیریتی کشاورزی محیط زیست و منابع طبیعی پایدار.
- آل‌شیخ، محمد (۱۳۸۱). ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی، صنعت بیمه، ۱۷(۶۶)، ۳۸-۱۰۵.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۳). حقوق عمومی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳، ۶۴۲-۶۵۰.
- سلطانی پور، فرزانه (۱۳۹۷). وضعیت توسعه پایدار در ایران، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۴(۴)، ۱-۱۴.
- شاهمرادی، قاسم (۱۳۹۶). مدیریت ریسک، علم بیمه، ۶ آبان، <http://elmebime.ir/144/>
- عباسی، بیژن؛ کیا، فاطمه (۱۳۹۲). اصل انطباق خدمات عمومی در پرتو قوانین، مقررات و رویه‌ی قضائی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اداری، ۱(۱)، ۸۰-۴۹
- علیمرادی، محمد (۱۳۹۸). برآورد نسبت های بهینه پوشش ریسک ایستا و پویا و مقایسه میزان اثربخشی آنها در بازار آتی های گاز طبیعی، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۲(۸)، ۱۲۸-۱۰۹.
- فهندژ سعدی، مهدی؛ کشوری، محمد؛ مسعود نیا، محمد؛ پناهی آزاد، مریم (۱۳۹۱). مدیریت ریسک و نقش بیمه در انتقال ریسک، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، <https://civilica.com/doc/147717>
- کاظمی، داود؛ رضایی زاده، محمد جواد (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوق تطبیقی، ۲(۵)، ۴۶-۲۳.
- کریمی، آیت (۱۳۹۶). کلیات بیمه، چاپ ۱۰، تهران: نشر میزان.
- محمدی حمیدی، سمیه؛ سبحانی، نوبخت (۱۳۹۷). توسعه پایدار در منطقه خاورمیانه با تاکید بر کشور ایران، آمایش جغرافیایی فضا، ۸(۲۸)، ۹۹-۱۱۴.
- منصوریان، ناصر علی؛ شیبانی، عادل (۱۳۹۵). مفهوم منفعت عمومی و جایگان آن در قانونگذاری ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، ۲۱(۷۵ و ۷۶)، ۱۱۷-۱۴۲.
- موسویان، سیدعباس و همکاران (۱۳۹۴). اوراق بیمه اتکایی اسلامی جهت انتقال ریسک در صنعت نفت، تحقیقات مالی اسلامی، ۵(۸)، ۵-۴۰.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۷). حقوق اداری، چاپ ۹، تهران: میزان.

نیکنام، علی اکبر (۱۳۹۴). اصل استمرار خدمات عمومی در حقوق اداری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

هاشم پور، سحر؛ عبدالرحیمیان، محمد حسین؛ رحیمی، حسین (۱۳۹۶). کارکرد بیمه عمر در نظام اقتصادی خانوار، کنفرانس بین‌المللی چالشها و راهکارهای مدیریت و توسعه اقتصادی،

<https://civilica.com/doc/631710>

Muddassar Sarfraz, Larisa Ivascu (2021), *Risk Management*, London, Intechopen.

UN, Report of the Secretary-General on SDG Progress 2019, Special Edition, New York, 2019.

Addis Ababa Action Agenda of the Third International Conference on Financing for Development (Addis Ababa Action Agenda), Addis Ababa, Ethiopia, resolution 69/313 of 27 July 2015.

UN, Goal 1: End poverty in all its forms everywhere, visited at 25 July 2022, <https://www.un.org/sustainabledevelopment/poverty/>

Juliane Welz, The role of insurance in sustainable economic and social development, EU Sustainable Finance Action Plan, 16 Nov 2020, <https://www.pwc.ch/en/insights/fs/the-role-of-insurance-in-sustainable-economic-and-socialdevelopment.html>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی